

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال پنجم، شماره هجدهم، تابستان ۱۳۹۴
صفحات ۱۱۱ - ۱۳۴

زید بن ثابت و مسئله جمع قرآن^۱

شهین قهرمان ایزدی*

چکیده

از جمله مباحث مهم تاریخ قرآن، جمع قرآن در دوره‌های گوناگون و کیفیت تدوین آن است. زید بن ثابت از کسانی است که در زمینه جمع قرآن همواره مورد توجه دانشمندان علوم قرآنی قرار گرفته و نام او از نظر تاریخ‌نویسان پنهان‌نمانده است. نگارنده در این پژوهش با نگاهی به نقش زید در مسائل تاریخی پس از عصر پیامبر⁶، انتخاب او را برای جمع قرآن در دوره‌های گوناگون، به نقش سیاسی او بی‌ارتباط نمی‌داند. بنابراین این پژوهش سعی دارد با نگاهی به زندگی زید در دوره‌های مختلف صدر اسلام - از زمان پیامبر اسلام⁶ تا هنگام وفات - و نقش سیاسی او در این دوران، دلیل انتخابش را برای جمع بررسی کند. نقش زید در سقیفه، همگامی او با خلفا، بیعت نکردن با حضرت علی⁷، ترک کردن مدینه و رفتن به شام و پیوستن به معاویه، از جمله مواردی است که این پژوهش به آن خواهد پرداخت.

کلیدواژگان

زید بن ثابت، جمع قرآن، قراءات.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۰۳.

* استادیار دانشگاه الزهراء 3 تهران، گروه علوم قرآن و حدیث، تهران، ایران. ghahraman@yahoo.com

مقدمه

نام زید بن ثابت (م ۴۵ق) در تاریخ قرآن همواره با جمع قرآن پیوند خورده است. این افتخار که جمع قرآن در دو دوره، نصیب او شده است بی دلیل نیست. چرایی انتخاب زید برای جمع آوری قرآن در عصر حضور نام آورانی از صحابه رسول خدا 6 که در مسئله کتابت، قرائت، حفظ و آموزش قرآن و نیز فقه و تفسیر، پیش تر و برتر از زید بوده اند، مهم ترین مسئله پژوهش پیش روست. کم اهمیتی زید در تحولات عصر رسول خدا 6 و نداشتن امتیاز یا ویژگی برجسته وی، این پرسش اصلی را به ذهن می رساند که چرا خلفا به رغم وجود اعتراض و ناراحتی افرادی همچون ابن مسعود، او را برای جمع قرآن در هر دوره ای انتخاب می کردند؟ به نظر می رسد یکی از مهم ترین دلایل برتری زید در مسئله جمع آوری قرآن، خط مشی سیاسی او پس از رحلت خدا 6 باشد. ارتباط و هماهنگی او در دوران خلفا و رفتن به شام در عصر خلافت حضرت علی 7 از جمله مواردی است که سبب انتخاب او در جمع آوری قرآن شده است. حضور برجسته وی از جریان سقیفه و نقش او در تحکیم خلافت ابوبکر آغاز می شود و تا زمان خلافت حضرت علی 7 ادامه می یابد.

گفتنی است تاریخ جمع و تدوین قرآن، پیشینه ای به طول تاریخ اسلام دارد و شاید نتوان از دوره ای بدون تألیف در این باره سخن گفت. دانشمندان این فن به رغم اختلافات درباره تاریخ جمع قرآن، نسبت به جمع و تدوین قرآن و عدم تحریف در این کتاب هم سخن بوده اند و در این باره کتاب های بسیاری نگاشته شده است. این پژوهش، چرایی انتخاب زید را با توجه به جریان های تاریخی و مواضع سیاسی او مورد بحث و بررسی قرار داده که بتواند به مسئله اصلی - یعنی دلیل انتخاب زید - پاسخ دهد.

برای بررسی مطلب لازم است نخست نگاهی به زندگی زید بن ثابت داشته باشیم.

حیات اجتماعی زید بن ثابت

به رغم پژوهش های متعددی که درباره شخصیت زید بن ثابت صورت گرفته است، هنوز درباره حیات اجتماعی او ابهاماتی پر شمار وجود دارد. عمده منابع، وی را فرزند



ثابت از قبیله بنی نجار و از فرزندان ضحاک بن لوزان معرفی کرده‌اند و نسبش را به عمرو بن عبدعوف بن غنم بن مالک بن نجار رسانده‌اند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۱۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲۱؛ ابن حجر، ۱۳۲۵: ج ۳، ۳۹۹). برخی او را فرزند ثابت بن خلیفه اشهلی صحابه رسول خدا می‌دانند و بر اوسی بودنش تأکید کرده‌اند (سمعانی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۷۸ - ۲۷۹). عده‌ای دیگر نیز وی را فرزند ضحاک اشهلی از منافقان و جاسوسان یهود دانسته‌اند (ابن حجر، ۱۳۲۵: ج ۲، ۸؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷: ج ۴، ۹۶) و او را در زمره انصاریان خزرچی برشمرده‌اند (قلعه‌جی، ۱۴۱۳: ۶). افزون بر این، کنیه او در منابع تاریخی و تراجم، ابوسعید، ابوخرجه و عبدالرحمن ضبط شده است (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ج ۲، ۲۲۱؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۱۱۱) و با این استناد، گاهی به او ابوخرجه و ابو ثابت نیز گفته‌اند (ابن حجر، ۱۳۲۸: ج ۱، ۵۶۱). افزون بر شبهات درباره پدرش، مادر وی نیز چندان سرشناس نیست؛ زیرا برخی او را النوار دختر مالک بن معاویه (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۱، ۱۸۸؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲۱؛ صدر حاج سیدجوادی و همکاران، ۱۳۷۹: ج ۸، ۵۵۷؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵: ۶) و عده‌ای دیگر دختر مالک بن صرمه دانسته‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۴۸۶). به روایتی پدر زید، ثابت بن ضحاک در جنگ بعاث - یعنی پنج سال پیش از هجرت پیامبر اکرم ۶ - در یشرب کشته شد و در آن زمان، زید پسری شش ساله بوده است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۱۱۱؛ قلعه‌جی، ۱۴۱۳: ۶) اگر این گزارش پذیرفتنی باشد، زید در زمان هجرت رسول خدا ۱۱ ساله بوده است. حال آن‌که ابن اثیر به نقل از ابن منده می‌نویسد:

زمانی که رسول خدا رحلت کرد، زید بن ثابت هشت ساله بوده و در سال ۴۵ فوت کرده است. (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۶۶)

البته این گزارش با اطلاعات ذهبی سازگار نیست؛ زیرا ذهبی معتقد است وی در زمان پذیرش اسلام ۱۱ ساله بوده است و رسول خدا به او فرمان داده است خط یهودی را فرا گیرد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۷۴؛ ابن حجر، ۱۳۲۵: ج ۳، ۸۳). برخی منابع، مادرش را سبب اسلام آوردن او در کودکی و پیش از هجرت پیامبر ذکر کرده‌اند (قلعه‌جی، ۱۴۱۳: ۸).

این تناقض‌های تاریخی ما را به بازخوانی گزارش اسلام آوردن زید وامی‌دارد که از

خلال آن به شبهه برتری او در کتابت وحی، جمع قرآن در دوران‌های مختلف یا دیگر فضایل ساختگی‌اش بیشتر پی ببریم.

ضبط اسامی همه افرادی که در دو بیعت پیامبر با مردم یشرب (بیعة النساء و بیعة الحرب) حضور داشتند و نبودن نام مادر زید در میان این اسامی، بر تأخیر اسلام وی دلالت دارد (نک: ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۰۷). تنها منبعی که به اسلام آوردن مادر زید، آن هم پیش از هجرت پیامبر اسلام ۶ اشاره دارد، کتاب *موسوعة فقه* است (قلعه‌جی، ۱۴۱۳: ۸) که البته ادعایی ثابت نشده به شمار می‌آید و به نظر می‌رسد برای بزرگ‌نمایی شأن و موقعیت زید بن ثابت بیان شده است.

به هر روی، هوش و ذکاوت شگفت‌انگیز زید به عنوان شخصیتی علمی تأیید شده است (همو). قاری و کاتب وحی بودن (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۷۳؛ ذهبی، ۱۴۱۶: ۳۵؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲۱؛ ابن حجر، ۱۴۱۲: ج ۳، ۵۳۹)، دستور پیامبر ۶ به او مبنی بر یاد گرفتن زبان و خط یهودی (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۷۳؛ ابن حجر، ۱۳۲۸: ۴۹۰)، فراگرفتن زبان معاصران همچون عبری و رومی (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۵، ۲۱۴) و حتی فارسی (همو: ج ۳، ۲۰۶) و آگاهی نسبت به شعر را از جمله مواردی دانسته‌اند که بر هوش و ذکاوت او دلالت دارد (قلعه‌جی، ۱۴۱۳: ۸).

نام او در ردیف چهار یا شش نفری آمده است که قرآن را در زمان پیامبر اسلام ۶ جمع‌آوری کرده‌اند و گفته‌اند که او حافظ قرآن نیز بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۷۱).

بنابر نقل مشهور، خلیفه دوم به نگارش نشدن حدیث دستور داد، اما از آنجا که زید بن ثابت در روایت حدیث دقیق بود، از روایت او منع نمی‌کرد (قلعه‌جی، ۱۴۱۳: ۸). زید بن ثابت، علم قیافه‌شناسی را نیز می‌دانست (همو). از انس بن سیرین نقل کرده‌اند که گفته است: زید بن ثابت بر ما وارد شد و ما شش برادر بودیم، اما از مادرانی مختلف. او بر اساس علم قیافه‌شناسی، هر دو نفری که از یک مادر بودیم را مشخص کرد و هیچ خطایی در این باره مرتکب نشد (همو).

درباره فقه و احکام نیز او را یکی از فقهای شش‌گانه در میان اصحاب رسول خدا ۶ دانسته‌اند و در خبری با واسطه از مسروق روایت شده است که گفت: «وارد مدینه شدم

و زید بن ثابت را در زمرهٔ راسخان در علم و فضیلت یافتیم» (ابن سعد، ۱۴۱۰؛ عسقلانی، ۱۳۲۵: ج ۳).

همه کسانی که درباره ویژگی‌های علمی و فقهی زید بن ثابت بحث کرده‌اند، به وقوف و آگاهی او دربارهٔ ارث اشاره کرده‌اند؛ اما در روایتی از امام باقر ۷ آمده است که فرمود: «حکم و قضاوت دوگونه است؛ حکم خدا و حکم جاهلیت». آن‌گاه شهادت می‌دهد زید بن ثابت در فرایض دینی به جاهلیت حکم کرده است (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۸، ۶).

مردم مدینه در مسائل دینی به فتوای او عمل می‌کردند، گرچه در مواردی فتاوی‌ای از بزرگانی مثل عمر بن خطاب، معاذ بن جبل و ابوالدرداء را نیز داشته‌اند. برای مثال، دربارهٔ عدّهٔ طلاق، مردم مدینه به فتوای زید بن ثابت - که بر خلاف رأی عمر و معاذ و ابوالدرداء بود - عمل می‌کردند (قلعه‌جی، ۱۴۱۳: ۱۹). خلفا نیز از زمان ابوبکر تا عصر مروان بن حکم، در مسائل گوناگون نزد او می‌رفتند و ضمن مشورت با او، به رأی‌اش عمل می‌کردند. از این‌رو نام او در ردیف کسانی آورده شده است که در زمان ابوبکر و پس از آن در دوره عمر مورد مشورت قرار می‌گرفتند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۶۷).

نقش زید بن ثابت در مسئله جمع قرآن

بررسی وضعیت عمومی زید و زیست‌نامهٔ حیات اجتماعی او و خانواده‌اش، به کشف ویژگی‌ای درخور - چه قبل و چه بعد از اسلام آوردنش - نینجامید؛ اما برای یافتن پاسخ اصلی مسئله پژوهش حاضر - یعنی چرایی برگزیدن زید برای جمع قرآن - ضروری است مقام و موقعیت و نقش وی در تحولات عصر نبی اعظم ۶ و خلفا بازخوانی شود که امکان یافتن برتری داشتن یا نداشتن او بر سایر قراء و حفاظ قرآن کریم فراهم گردد و بدین وسیله انگیزه و اغراض کسانی که کار جمع و تدوین قرآن را به او سپرده‌اند روشن شود.

زید در عصر رسول خدا ۶

در رویدادهای عصر رسول خدا ۶ نیز نشانی از بر جستگی زید نیست. چنان‌که گفته شد، دانشمندان علوم قرآنی، بیش از کتابت وحی توسط او، از آموختن زبان عبری -

آن هم با اختلاف در مدت زمان فراگیری - سخن نگفته‌اند.

بی‌گمان زید بن ثابت، یکی از کاتبان رسول خدا⁶ در مدینه (ذهبی، ۱۴۱۶: ۳۵؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲۱؛ ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۷۳؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۳، ۵۳۹) و نویسنده نامه‌های آن حضرت به پادشاهان بود (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۷۳). از جمله مواردی که درباره زید بسیار برجسته شده و تقریباً همه مورخان آن را افتخاری برای او شمرده‌اند، آموختن زبان عبری یا سریانی در زمانی کوتاه است. آنان امر رسول گرامی اسلام⁶ را دلیل اقدام وی برای یادگیری دانسته‌اند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۷۳؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۴۹۱؛ ابن‌حجر، ۱۳۲۸: ج ۲، ۱۲۶). دستور پیامبر در این متون یکسان بیان نشده است؛ در برخی از آنها، امر به آموختن کتابت یهود است (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۴۹۱) و در جای دیگر، نظر پیامبر، آموزش سریانی است (ابن‌حجر، ۱۳۲۸: ج ۲، ۱۲۶). دلیل امر پیامبر نیز نبود امنیت بر متون از جانب یهودیان ذکر شده است. برخی معتقدند در همان سال‌های نخست هجرت بود که رسول خدا⁶ زید بن ثابت را به آموزش خط و فراگیری زبان عبری ترغیب کرد و به صراحت به او فرمود:

تعلّم کتاب الیهود فإتی واللّه ما آمنهم علی کتابی. (ابن‌حجر، ۱۳۲۸: ج ۲، ۴۹۱)

زمانی را که زید برای یاد گرفتن این زبان صرف می‌کند نیز متفاوت بیان شده است. برخی این زمان را کمتر از نصف ماه (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۲۷۳)، برخی ۱۵ روز (ابن‌حجر، ۱۳۲۸: ج ۲، ۱۲۶) و برخی نیز ۱۷ روز می‌دانند. ابن‌ابی‌الحدید نیز نام او را در شمار کاتبان وحی آورده و می‌گوید:

محققان و سیره‌نویسان نوشته‌اند: کاتبان وحی، علی⁷، زید بن ثابت و زید بن ارقم بودند. حنظلة بن ربیع تمیمی و معاویه نیز در نوشتن نامه‌های پیامبر⁶ به سران، نوشته‌های مورد نیاز مردم و تهیه لیست اموال و صدقات نقش داشتند. (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ج ۷، ۳۳)

با افزایش تعداد نویسندگان وحی در مدینه و ورزیده‌تر شدن زید بن ثابت با تکمیل کتابت نزد اسیران بدر (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۹) در محضر پیامبر بیشتر حضور می‌یافت (رامیار، ۱۳۶۲: ۲۶۴) و در غیبت ابی بن کعب، به جای او وحی می‌نوشت (حجتی، ۱۳۶۰: ۲۰۳)؛ ولی بر اساس روایات، آن‌که بیش از همه به نگارش وحی موفق

بوده، در مرحله اول، علی بن ابی طالب⁷ و سپس زید بن ثابت است؛ چراکه این دو بیش از دیگران ملازم پیامبر⁶ بوده‌اند (عبدالصبور، ۲۰۰۵: ۱۶۴). از خارجه بن زید بن ثابت نیز روایتی نقل شده که می‌گفت:

عده‌ای بر زید بن ثابت وارد شدند و از او درخواست کردند حدیثی و داستانی از زمان پیامبر⁶ بازگو کند. زید گفت: چه داستانی را از زمان رسول خدا گزارش کنم؟ من همسایه آن حضرت بودم^۱ و هر وقت وحی نازل می‌شد، مرا احضار می‌فرمود و من آن را می‌نوشتم. (سجستانی، ۱۹۳۶: ۳)

در روایتی دیگر آمده است:

وقتی آیه $\text{أَلَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ}$ نازل شد، پیامبر فرمود: بگوئید زید بیاید و با خود لوح و دوات بیاورد. [وقتی زید آمد] فرمود: بنویس: $\text{أَلَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ}$. (زنجانی، ۱۳۸۸: ۵۲)

بر اساس منابع گوناگون روایی و تاریخی، زید بن ثابت نه کاتب اختصاصی و منحصر به فرد پیامبر⁶ بوده و نه آن‌که بر دیگر کاتبان، امتیازی ویژه داشته است. حتی اگر همچون برخی ادعا کنیم به اعتقاد همگان، او حافظ تمام وحی بوده است (بلاشر، ۱۳۷۴: ۵) به معنای خارق‌العاده بودنش نیست و برتری او را نسبت به دیگر صحابه بیان نمی‌کند؛ به‌ویژه صحابه‌ای که پیامبر⁶ در مواقع مختلف آنان را ستوده، دستور آموختن قرآن از آنان را ابلاغ کرده یا به شنیدن صوت آنان سفارش نموده است.

درباره نقش زید در جمع قرآن در عصر رسول اکرم⁶ نیز اطلاعاتی در دست است؛ زیرا یکی از مواردی که زید بن ثابت همواره با آن معرفی شده است، مسئله جمع قرآن در دوره‌های گوناگون است و همین نقش، موافقان و مخالفانی را برانگیخته که برای اثبات مدعای خویش به سخن زید بن ثابت استناد کنند.

الف) نخستین روایتی که موافقان جمع قرآن در زمان رسول اکرم⁶ به آن استناد می‌کنند، همان روایت معروف «كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ نُؤَلِّفُ الْقُرْآنَ مِنَ الرَّقَاعِ» است که به صورت‌های زیر نقل شده است:

۱. مراد از همسایگی پیامبر⁶ دسترسی سریع آن حضرت به او بوده است.

عن يزيد بن ابى حبيب ان عبد الرحمن بن شماسه حدثه عن زيد بن ثابت
 قال: كنا حول رسول الله ﷺ نؤلف القرآن اذ قال: طوبى للشام! فقييل له: و لم؟
 قال: ان ملائكة الرحمن باسطة اجنحتها عليها. (طبرانى، ۱۴۳۱: ج ۵، ۱۵۸، ش ۴۹۳۴)
 در دو روایت دیگر آمده است:

عن زيد بن ثابت قال: كنا عند النبي ﷺ نكتب الوحي. فقال: طوبى للشام ثلاث
 مرآت. فقلنا: و ما ذاك يا نبي الله؟ فقال: ان الملائكة ناشرة اجنحتها على الشام.
 (همو)

زيد بن ثابت يقول: قال رسول الله: و نحن عنده طوبى للشام. فقلنا: ما باله يا
 رسول الله؟! قال: ان الرحمن لباسط رحمته عليه. (همو: ش ۴۹۳۵)

از تفاوت متن سه روایت (انفراد در نقل و اثبات فضیلت برای اهل شام و معاویه)
 درمی یابیم این گونه روایات مربوط به عصر جعل احادیث است. در روایت نخست، زید
 می گوید: «نؤلف القرآن». در روایت دوم می گوید: «نكتب الوحي» و در روایت سوم، نه
 از کتابت سخن می گوید و نه از تألیف و جمع قرآن. پایان دو حدیث اول و سوم در
 فضیلت شام و اثبات فضیلت برای معاویه است. گفتنی است عبدالرحمن بن شماسه
 (واسطه روایت در خبر اول) نیز از سربازان معاویه بوده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۲۴،
 ۹۵) و همین مؤید تحریف و جعل حدیث به شمار می آید.
 (ب) وی در جایی دیگر گفته است:

كنت اكتب بين يدي رسول الله يوماً، فقام لحاجة، فقال لي: ضع القلم على
 اذنك، فانه اذكر للملى و اقصى للحاجة. (اندلسی، ۱۴۰۴: ج ۸، ۲۴۳)

این روایت صرفاً نوشتن قرآن در زمان رسول خدا ﷺ توسط زید را بیان می کند.
 (ج) در روایتی دیگر از انس بن مالک نقل شده است که زید بن ثابت یکی از دو
 نفری است که قرآن را در عهد رسول خدا (از انصار) جمع کردند و ابو عمر این حدیث
 را صحیح شمرده است (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۱۱۱؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۶).
 (د) سید محسن امین صاحب اعیان الشیعة با ذکر روایتی او را در زمره کسانی آورده

که قرآن را در زمان نبی اکرم 6 جمع کردند. این افراد عبارت بودند از معاذ بن جبل، عباده بن صامت، ابی بن کعب، ابویوب انصاری، ابوالدرداء و سعد بن عبید (امین، بی تا: ج ۶، ۴۴).

ه) حضور او در عرضه پایانی قرآن به رسول خدا از دیگر مواردی است که در این باره آمده است (زرکشی، ۱۴۱۵: ج ۱، ۳۳۵).

متن و مفاد روایات یادشده (در صورت صحت روایات و نداشتن انگیزه‌های سیاسی با توجه به تمجید از شام) از حضور زید بن ثابت به عنوان یکی از کاتبان وحی یا حداکثر یکی از کسانی که قرآن را در عهد رسول گرامی اسلام جمع‌آوری کرده است، حکایت دارد و بیش از این مطلبی را بیان نمی‌کند و ویژگی دیگری نیز برای او ذکر نمی‌شود. البته این در حالی است که برخی از رجالیون حتی نسبت به جمع قرآن پس از پیامبر توسط او به دیده تردید می‌نگرند (خویی، ۱۴۰۳: جزء ۷، ۳۳۶۹).

گرچه شخصیت زید بن ثابت با جمع قرآن گره خورده است؛ اما در زمان پیامبر اسلام 6 زید بن ثابت آن‌چنان که در دوران خلفا مطرح است، مورد توجه دانشمندان علوم قرآنی و نیز سیره‌نویسان نیست. صغر سن زید بن ثابت در عهد نبی اعظم 6، نداشتن برتری نسبت به دیگر صحابه یا حتی نبودن او در ردیف اصحاب ممتاز پیامبر اسلام 6 را می‌توان از جمله دلایل شهرت نداشتن در دوره رسول خدا 6 دانست. البته سیره‌نویسان نسبت به ثبت کمترین مطلب در این باره دقت داشته‌اند و آنها را ضبط کرده‌اند. برای مثال گفته‌اند زید بن ثابت در غزوه بدر (سال دوم هجری)، قصد شرکت در جنگ را داشته است که به دلیل کمی سن، پیامبر او و بعضی از نوجوانان دیگر را برگرداند و اجازه شرکت در جنگ را به آنها نداد (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۲، ۲۲۱؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۸۴۰). زید در آن زمان ۱۳ ساله بوده و در مقابل به اعتقاد برخی دیگر بدر و احد را درک نکرده است و اولین غزوه‌ای که در آن حضور داشته، خندق بوده که به مسلمانان در بردن خاک کمک می‌کرده است (ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۲، ۲۲۱؛ صدر حاج سیدجوادی و همکاران، ۱۳۷۹: ج ۸، ۵۵۷). در غزوه تبوک، ضمن حادثه‌ای از او یاد می‌شود؛ چنان‌که آورده‌اند در تبوک پرچم جنگ به دست عماره بن معزم بود. پیامبر از او پرچم را گرفت و به دست زید بن ثابت داد. عماره از پیامبر سؤال می‌کند: آیا کار

نامناسبی از من سرزده است که چنین کردید؟ پیامبر می‌فرماید نه، بلکه قرآن مقدم است و زید بیشتر از تو قرآن آموخته است (واقدی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۳۳۰) و خطاب پیامبر به او که «آنه نعم الغلام»، در همین قضیه است (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۲، ۲۲۱).

نقش و جایگاه زید بن ثابت در عصر خلفا

موضع زید در سقیفه و سخنان او درباره خلیفه را می‌توان آغاز حضور سیاسی او دانست. معارضه وی با انصار به‌رغم انصاری بودنش، علامت سؤالی جدی را بر جای می‌گذارد. بنا بر گزارش منابع، وی به شدت با انصار معارضه کرد و بر همین اساس، به‌پا خاست و خطاب به حضار چنین گفت: به درستی که رسول خدا ۶ از مهاجرین بود و امام نیز باید از مهاجرین باشد و ما همان‌گونه که انصار رسول خدا بودیم، انصار امام خواهیم بود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۱۴۳؛ ذهبی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۴۷۹). ابوبکر پس از خلافت، او را برای این جانبداری ستود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۱۴۳).

او از کسانی است که با عمر همراه شد که حضرت علی ۷ را برای بیعت با ابوبکر از خانه‌اش بیرون آوردند (بلاذری، ۱۹۵۹: ج ۱، ۵۷۹) و بر همین اساس این گمان تقویت می‌شود که افتخار جمع قرآن به همین سبب به او سپرده شده است؛ حال آن‌که نسبت به دیگر صحابه امتیاز و برتری نداشته است.

از دیگر رخدادهای مهمی که رد پای زید در آن مشهود است و پژوهش‌گران علوم قرآنی بر آن اذعان دارند، رخداد جنگ یمامه و کشته شدن تعدادی از حفاظ صحابه در عصر خلیفه نخست است که سبب شد عمر به تلاش برای جمع‌آوری قرآن تحریک شود. اصرارهای او ابوبکر را راضی کرد که زید برای این امر انتخاب گردد (سیوطی، ۱۴۲۱: ج ۱، ۲۰۸).

حال این پرسش پیش می‌آید که به راستی با وجود متبحرانی چون علی بن ابی‌طالب ۷ یا عبدالله بن مسعود و ابن عباس و حتی ابی بن کعب، دلیل انتخاب زید یا برتری او نسبت به رقبایش چه بوده است که خلیفه، فخر جمع قرآن را به او واگذار کرده است؟ اگرچه چرایی انتخاب او به صراحت در منابع درج نشده است، اما می‌توان دلیل این انتخاب را در سخنان ابوبکر به روشنی یافت. او خطاب به زید می‌گوید:

إِنَّكَ رَجُلٌ شَابٌ عَاقِلٌ لَا نَتَّهِمُكَ، وَقَدْ كُنْتَ تَكْتُبُ الْوَحْيَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَتَتَّبِعُ

چنان‌که از متن سخن ابوبکر برمی‌آید، علت انتخاب او برای جمع قرآن، به تعبیر ابوبکر، متهم نبودن اوست. ابوبکر با تعبیر «إِنَّكَ شَابٌّ عَاقِلٌ لَا نَتَهَمُكَ» به کاتب وحی بودن زید اشاره دارد؛ اما مطلب مهم این است که آیا این ویژگی مورد نظر ابوبکر، در بین دیگر افراد صحابه وجود نداشت؟ بی‌گمان در بین کاتبان وحی که تعداد آنها را تا ۴۵ نفر نوشته‌اند، صحابه مورد اعتنا و وثیق بسیار بوده‌اند، اگرچه کسانی مانند معاویه و عبدالله بن ابی‌سرح که سعی در تحریف وحی داشت و می‌گفت: «پیامبر در املائی وحی به من می‌گوید: Γ سَمِيعًا بَصِيرًاΦ و من می‌نویسم: سَمِيعًا عَلِيمًا»^۱ (سجستانی، ۱۴۲۳: ۳۸) نیز حضور داشتند و از این‌رو همه آنان از نظر صداقت و ایمان در یک حد و اندازه نبودند، اما بیشترشان جانبازانی پاک‌اعتقاد بودند که هر چه داشتند در راه اسلام ایثار می‌کردند (رامیار، ۱۳۶۲: ۲۶۴). بنابراین دلیل یادشده نمی‌تواند ما را به علت واقعی این انتخاب راهنمایی کند و لازم است پاسخ پرسش یادشده، در جریان سقیفه و موقعیت زید در عصر خلفا بررسی شود.

از عهد ابوبکر به بعد، برای زید بن ثابت مقامی شامخ تصور شده است و شأن او را در همه امور آن‌چنان بالا برده‌اند که در مسئله جمع قرآن، او از همه صحابه برتر و پیش‌تر جلوه می‌کند تا جایی که گفته‌اند: او قرآن را در زمان رسول اکرم⁶ جمع کرد و آن را در دوره ابوبکر در مصحف درآورد (ذهبی، ۱۴۱۳: ۳۵). پاسخ سؤال مورد نظر در مناصب زید در زمان خلیفه اول نیز قابل جست‌وجوست؛ زیرا او در زمره کسانی بود که به همراه تعداد دیگری از صحابه در زمان ابوبکر مورد مشورت خلیفه قرار می‌گرفت. این افراد - که از مهاجرین و انصار بوده‌اند - عبارت‌اند از عمر، عثمان، حضرت علی⁷، عبدالرحمن بن عوف و معاذ بن جبل (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۱، ۳۳۵؛ امین، بی‌تا: ج ۶، ۴۵؛ داودی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۷۶). گاه نیز خلیفه دوم به هنگام ترک مدینه او را جانشین خود قرار می‌داد (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲: ج ۴، ۲۳۰). وی در بین مردم متولی امر

۱. او همان کسی است که مرتد شد و به مکه گریخت. همچنین گفته‌اند: آیه ۱۰۶ سوره نحل درباره او نازل شده است و پیامبر⁶ به دلیل ارتدادش به قتل او فرمان داده بود (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۱۸۹).

فتوا بوده است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱، ۳۳۵؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۵۳۹). همچنین گفته‌اند: در جنگ یمایه حضور داشت و تیری به کتفش اصابت کرد، اما ضرری به او نزد (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲۱).

مقام فتوا و منصب قضاوت در دوره عمر

زید بن ثابت در زمان خلیفه دوم نیز از مناصب سیاسی بی‌نصیب نبود. سالم نقل می‌کند: روز مرگ زید بن ثابت با عبدالله بن عمر بودیم. من گفتم: عالم الناس (دانای مردم) امروز از دنیا رفت. عبدالله بن عمر گفت: خدا زید را رحمت کند که در خلافت عمر، دانای مردم بود. عمر مردم دیگر را به نقاط مختلف می‌فرستاد و آنان را از فتوا دادن نهی می‌کرد، در حالی که زید بن ثابت را در مدینه نگاه داشت و او برای اهل مدینه و غیر آن فتوا می‌داد (ابن سعد، ج ۲، ۳۴۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۳، ۲۵۵). عمر او را به جایی نمی‌فرستاد، مگر آن‌که مسئله مهمی باشد. یکبار او را به فدک فرستاد که نصف زمین‌های فدک را فروختند و به یهود فدک پرداختند و آنان را به شام تبعید کردند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵: ج ۳، ۲۵۵).

زید در این دوره نیز طرف مشورت خلیفه بود. گاه خلیفه از او سؤال می‌کرد و وی پاسخ می‌داد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱، ۳۳۵).

منصب قضاوت در مدینه نیز جایگاه دیگری است که خلیفه دوم به او داد. آن‌چه در منابع نقل شده است، فعالیت وی در این منصب و پذیرش او به عنوان قاضی است؛ چنان‌که بر اساس قضاوت او عمل می‌شد و خلیفه در مقابل قضا، برای او مقرری قرار داده بود (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۴۲).

زمانی که خلیفه در مدینه حضور نداشت، او را به عنوان جانشین خود برمی‌گزید (همو)؛ چون از جانب او ایمن بوده و به وی اعتماد داشته است.

زید دست‌کم چهاربار جانشین عمر در مدینه بوده است؛ سه بار در زمان‌هایی که خلیفه به سفر حج رفته است؛ یعنی در سال‌های ۱۶، ۱۷ و ۲۱ هجری و یکبار نیز در سفر خلیفه به شام (ابن جوزی، ۱۴۱۲: ج ۴، ۲۳۰ - ۲۳۱؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲۱).

چنان‌که در جریان هرمان آمده است، زید بن ثابت گذشته از آن‌که کاتب رسمی خلیفه بود، مترجم خلیفه نیز به شمار می‌آمد؛ چون نه هرمان زبان عربی می‌دانست و

نه عمر به زبان فارسی آشنا بود و این زید بن ثابت بوده است که نقش مترجم را بر عهده داشته است (قلعه‌جی، ۱۴۱۳: ۳۵). وی در ایجاد دیوان‌ها سهمی بسزا داشت و گفته‌اند به دلیل تبحری که در مسئله ارث داشت تقسیم‌غنائیم در جنگ یرموک، بر عهده او بود.

جمع قرآن در این دوره نیز از مواردی است که تنها صاحب کتاب زید بن ثابت *کاتب الوحی و جامع القرآن* به آن اشاره کرده و می‌گوید: عمر درصدد جمع کردن قرآن بود و حتی در بین مردم اعلام کرد که اگر کسی چیزی از قرآن در نزدش است بیاورد. سپس آن را در صحف و الواح و عسب نوشتند و از کسی مطلبی نمی‌پذیرفت، مگر آن‌که دو نفر بر آن شهادت می‌داد؛ اما عمر پیش از این‌که این قرآن جمع شود و آن را به او ارائه کنند، از دنیا رفت (همو: ۳۵).

به نظر می‌رسد بالا بردن شأن زید در این مورد را نیز باید در گروه اقدام‌های مهم خلیفه دانست. به دیگر سخن، در این‌جا خلیفه به دنبال کسب افتخارات است و این مهم جز از عهده زید بر نمی‌آید. با کمی دقت درمی‌یابیم شیوه جمع قرآن با آنچه در زمان ابوبکر بیان می‌شود، تفاوتی ندارد؛ حال اگر کار توسط خلیفه دوم هم انجام هم شده باشد، به‌جز منبع یادشده، در دیگر منابع از او سخنی به میان نیامده است.

زید بن ثابت در دوره عثمان

به نظر می‌رسد جمع قرآن در زمان خلیفه سوم، سبب شهرت بیشتر زید بن ثابت شد. همان‌گونه که در تاریخ آمده است، جمع قرآن یا اتحاد مصاحف در این دوره، در جنگ ارمنستان و گزارش *حذیفه بن یمان* ریشه دارد و چون این اقدام همراه با از بین بردن یا سوزاندن مصاحف بوده (واقدی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۵۳۹؛ معرفت، ۱۳۷۸: ۱۳۳؛ بلاشر، ۱۳۷۴: ۷۲) اعتراض‌هایی را به همراه داشت و البته به زید بن ثابت امتیازی ویژه بخشید.

اعتراض عبدالله بن مسعود کمترین مطلبی را که می‌تواند اثبات کند، وجود اصحاب پیامبر در آن دوران است که در این اقدام مهم کنار گذاشته شدند و زید انتخاب شد، بی‌آن‌که سابقه یا فضیلتی بیشتر نسبت به دیگران داشته باشد و اگرچه برخی معتقدند

اعتراض عبدالله بن مسعود در این باره جنبه شخصی داشته است (رامیار، ۱۳۶۲: ۴۳۳)، اما ظاهراً باید ریشه این اعتراض را در جایی دیگر جست‌وجو کرد تا به راستی دلیل این انتخاب روشن شود.

مقام قضا و بیت‌المال مسلمین

وقتی عثمان خلیفه شد، زید را بر منصب قضا ابقا کرد و بیت‌المال مسلمین را به او سپرد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ج ۱، ۳۳۵؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۳، ۲۹). در این باره نقل شده است که زید بن ثابت، غلامی را به نام وهیب به عنوان کاتب و کمک برای خود برگزیده بود. یک‌بار که عثمان به بیت‌المال سر زد، وهیب را دید که به زید بن ثابت کمک می‌کند. عثمان از زید پرسید: این فرد کیست؟ زید پاسخ داد: برده من است. عثمان گفت: می‌بینم او به مسلمین کمک می‌کند؛ پس برای او حقی است و ما برای او دو هزار (پول رایج آن زمان) مقرری در نظر می‌گیریم. زید گفت: برای یک بنده دو هزار مقرری قرارنده، بلکه هزار کافی است (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۱۹۸۹؛ داودی، ۱۴۱۱: ج ۱، ۱۲۶).

به تعبیری زید مسئولیت امور اداری در زمان عثمان را به عهده داشت (تقفی کوفی، ۱۳۷۳: ۴۳۱؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲۱). شاید منظور از امور اداری، بیشتر همان مسائل مالی باشد.

جانشینی خلیفه

همان‌گونه که زید در زمان حضور نداشتن خلیفه دوم به عنوان جانشین او انجام وظیفه می‌کرد، این مهم را در زمان مسئولیت خلیفه سوم نیز عهده‌دار بود. خلیفه نیز او را طرف مشورت خود قرار می‌داد و مطالبی را از او می‌پرسید (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲۱).

زید و دفاع از عثمان

زید بن ثابت از جمله کسانی است که در دفاع از عثمان نقشی برجسته داشت. او به عثمان عشق می‌ورزید و عثمان نیز او را بسیار دوست می‌داشت. در آخرین روزهای حیات عثمان که گروهی برای کشتن او آمده بودند و در ذوخسب مستقر شدند، عثمان به خانه حضرت علی ۷ پناه آورد و از ایشان درخواست کرد با شورشیان صحبت کند.

حضرت علی 7 انجام این کار را با شروطی پذیرفت و نام زید بن ثابت در بین سی نفری است که با حضرت علی 7 برای گفت‌وگو با شورشیان همراه شدند (طبری، ۱۳۸۷: ج ۳، ۳۷۶).

گفتنی است او از جمله کسانی بود که روز ریگ خوردن عثمان به دفاع از او برخاست که سخنانی بگوید. قتیبه او را بر جای نشانند و عثمان را در آن روز آن‌قدر ریگ زدند که از منبر بی‌هوش فرو افتاد و به خانه‌اش برده شد (همو). پس از این جریان، چند نفر از مردم مدینه آماده شدند که به نفع عثمان وارد جنگ شوند. نام زید بن ثابت و ابوهریره از جمله این افراد معدود است (نک: ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۳۵ - ۱۶۱).

زمانی که عثمان در خانه خود محاصره شد، زید بن ثابت به نزد عثمان رفت و گفت: انصار بر در خانه تو جمع شدند و می‌گویند: اگر بخواهی، ما برای دومین بار انصار خداوندیم (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۳، ۴۸)؛ اما عثمان گفت: به جنگ راضی نیستم. زید بن ثابت در حالی که گریه می‌کرد از نزد او خارج شد (همو: ۵۹). وی وقتی دریافت عایشه قصد حج کرده است، همراه عبدالرحمن بن عتاب بن اسید و مروان بن حکم به نزد او رفتند و گفتند: آیا نمی‌بینی امیرالمؤمنین در محاصره است؟ اگر در مدینه بمانی، امکان دارد مقام و موقعیت تو مشکلات را دفع کند؛ اما عایشه نپذیرفت. پس از قتل عثمان نیز از جمله کسانی است که همراه معدود افراد دیگری به خانه عثمان رفتند و جسد او را از خانه خارج کردند و به خاک سپردند (طبری، ۱۳۸۷: ج ۳، ۳۷۶).

از آن‌جا که این پژوهش درصدد بررسی چرایی انتخاب زید برای جمع قرآن است و بنا ندارد جریان‌های تاریخی زید یا خلفا را بیان کند، مسائل تاریخی تا جایی بازگو می‌شود که نامی از زید بن ثابت یا نقش او در جریان‌های گوناگون آمده باشد. نقش مؤثر زید بن ثابت در دفاع از عثمان تا آخرین لحظه حیات، مطلبی مشهود است. از این‌رو در برخی از متون، به عثمانی بودن او به صراحت اشاره شده و آمده است: «کان عثمانیاً؛ او عثمانی بود» (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲۱؛ ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۲، ۲۲۱).

زید در دوره خلافت امیرالمؤمنین 7

بررسی حیات اجتماعی زید بن ثابت در عصر خلافت حضرت امیر 7 می‌تواند در به دست آمدن پاسخی منطقی کمک کند؛ زیرا - چنان‌که منابع یادآور شده‌اند - زید بن ثابت تا آخرین لحظه حیات عثمان، همه تلاش خود را برای دفاع از او و آرام کردن اوضاع به کار بست و سرانجام در بیرون آوردن جنازه و خاک‌سپاری خلیفه نقشی اساسی داشت.

اما نخستین اقدام او در زمان حضرت علی 7 بیعت نکردن با آن حضرت است. منابع تاریخی این مسئله را با کمی اختلاف بازگو کرده‌اند. طبری از کسانی است که با احتیاط با این قضیه برخورد کرده و می‌گوید: تا آن‌جا که می‌دانیم، احدی از انصار از بیعت با علی 7 تخلف نکرد (طبری، ۱۳۸۷: ج ۳، ۳۷۶)؛ اما در جایی دیگر از قول محمد بن خلیفه می‌گوید:

همگی انصار جز چند نفر با علی 7 بیعت کردند. مخالفان عبارت بودند از حسان بن ثابت، کعب بن مالک، مسلمة بن مخلد، محمد بن مسلمه و چند نفر دیگر که همگی از عثمانیه به شمار می‌رفتند. از مخالفان غیر انصاری می‌توان به عبدالله بن عمر، زید بن ثابت و اسامة بن زید اشاره کرد که همه از بهره‌مندان خان نعمت خلافت عثمان بودند. (همو)

وی معتقد است همه مردم در مدینه با علی 7 بیعت کردند، به جر هفت نفر که منتظر ماندند و بیعت نکردند؛ سعد بن ابی‌وقاص، ابن عمر، صهیت، زید بن ثابت، محمد بن مسلمه، سلمة بن وقش و اسامة بن زید (همو: ۲۳۳۲). او در جایی دیگر از قول عبدالله بن حسن می‌گوید: وقتی عثمان کشته شد، انصار به جز چند نفر که عثمانی بودند، همه با علی 7 بیعت کردند (همو: ۲۳۳۵). یکی به عبدالله گفت: چرا اینان از بیعت با علی سر باز زدند و عثمانی شدند؟ گفت: حسان شاعری بود که اهمیت نمی‌داد چه می‌کند. زید بن ثابت را عثمان به دیوان و بیت‌المال گماشته بود و چون عثمان محاصره شد، گفت: ای گروه انصار! دوباره انصار خدا باشید. ابویوب گفت: یاری‌اش می‌کنی، از این‌رو که برای تو سودمند بوده است (همو). شاید به همین دلیل است که برخی احتمال داده‌اند بیعت نکردن این افراد به معنای مخالفت با حضرت علی 7 نبوده است و شرکت نکردن

این افراد در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان را دلیل این احتمال دانسته‌اند و در این باره به سخن یعقوبی استناد کرده‌اند که می‌نویسد: همه بیعت کردند، جز سه نفر از قریش که یکی اول مخالفت کرد، سپس بیعت کرد (جعفریان، ۱۳۸۲: ۲۳۰).

سخن مورخان درباره بیعت او مختلف است. بیعت بلافاصله با حضرت علی^۷، تأخیر در بیعت به دلیل حزن و اندوه به سبب قتل عثمان و بیعت نکردن او، از جمله موارد بیان شده است؛ اما آنچه مسلم است زید بن ثابت پس از مرگ عثمان از حضرت علی^۷ کناره‌گیری کرد (نک: ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۲؛ قلعه‌جی، ۱۴۱۳: ۳۸). رفتن او به شام پس از قتل عثمان و حضور نداشتنش در جنگ‌های امیر مؤمنان^۷ نیز انکارناپذیر است (نک: ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲۲؛ ابن‌حجر، ۱۳۲۵: ج ۳، ۳۹۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵: ج ۳، ۱۹۱).

برخی گمان کرده‌اند دلیل کناره‌گیری او از سیاست، دور ماندن از فتنه بوده است و بیعت نکردن او را در محبت و دوستی حضرت بی‌تأثیر دانسته‌اند و گفته‌اند: اگرچه بیعت نکرد، اما دوستدار علی^۷ بود تا جایی که حدیث غدیر و ثقلین را روایت کرده و بیعت نکردن او مانع نقل کردن فضایل اهل بیت پیامبر: نشده است (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ج ۲، ۲۲۲).

موقعیت زید بن ثابت پس از شهادت علی^۷ نیز دارای اهمیت است؛ زیرا با بررسی مقام و زید پس از شهادت امام می‌توان از برخی مطالب پرده برداشت. نگارنده بر این باور است که جایگاه او در زمان معاویه و مروان بن حکم، ادعای کناره‌گیری از سیاست به دلیل دور ماندن از فتنه را رد می‌کند؛ زیرا اگر از جریان سقیفه و نقش مهم او در انتخاب خلیفه چشم‌پوشی کنیم و دلیل اقدامات آن روز را جوانی او بدانیم، وجود برخی مسائل، اجازه این برداشت را نمی‌دهد. این مسائل عبارت‌اند از:

الف) همان‌گونه که بیان شد، زید از کسانی است که با حضرت علی^۷ بیعت نکرد و پس از قتل عثمان، رفتن به شهر شام را ترجیح داد.

ب) جایگاه او در دوره معاویه با ادعای دوری از سیاست سازگاری ندارد. گفته‌اند وی از سوی معاویه بر دیوان مدینه گماشته شد (مرتضی، ۱۴۰۳: ج ۶، ۲۴۳). او طرف مشورت معاویه نیز بود و معاویه مشکلات خود را از وی می‌پرسید

(قلعه‌جی، ۱۴۱۳: ۲۱).

ج) تشویق مردم به دشنام‌گویی به حضرت علی ۷ (نک: قمی، ۱۴۱۴: ج ۱، ۵۷۵) نیز از مواردی است که با ادعای کناره‌گیری از سیاست به دلیل دور ماندن از فتنه هم‌خوانی ندارد.

د) در دوران مروان بن حکم نیز از نزدیکان او به شمار می‌رفت. مروان در بزرگداشت او مبالغه می‌کرد و ناراحتی زید بن ثابت از هر مسئله، سبب می‌شد مروان نیز خشمگین شود. البته گفته‌اند هرگاه فساد یا مشکلی از مروان می‌دید، او را نصیحت می‌کرد (قلعه‌جی، ۱۴۱۳: ۳۹).

ه) در دوره عبدالملک بن مروان نیز ظاهراً زید موقعیت خوبی دارد، به طوری که گفته‌اند: عبدالملک قول کسی را بر قول او ترجیح نمی‌داد و از گفتار او به قول دیگری عدول نمی‌کرد (همو: ۲۳).

برخی نظریات او درباره قرائت

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، هدف از این پژوهش، چرایی انتخاب زید بن ثابت برای جمع قرآن است. عملکرد زید بن ثابت در دوران سه خلیفه اول و نیز حکومت‌های پس از شهادت حضرت علی ۷ و مقایسه آن با دوران حضرت علی ۷، گرایش‌های اجتماعی و سیاسی او را مشخص کرده و می‌تواند پاسخی به پرسش اصلی این پژوهش، یعنی «چرایی انتخاب زید» باشد.

گفتنی است اگرچه نام زید بن ثابت، همواره با جمع قرآن گره خورده است، اما از نظریات او درباره قرائت قرآن کمتر سخن به میان آمده است و مهارت او را بیشتر در مسئله ارث دانسته‌اند؛ به طوری که او را مرجعی برای رفع اشکالات خلفا در این‌باره به شمار آورده‌اند و به نظریات شاذ او درباره ارث و اختلاف او با خلیفه دوم نیز اشاره کرده‌اند.

برخی نظریات او درباره قرائت را مرور می‌کنیم:

۱. از ابن‌شهاب نقل کرده‌اند که در هنگام جمع قرآن بین زید و همکاران او درباره نوشتن کلمه «تابوت» در آیه Γ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ

من رَبُّكُمْ... (بقره: ۲۴۸) اختلاف پیدا کردند. زید معتقد بود باید «التابوة» بنویسند، اما عبدالله بن زید، سعید بن عاص و عبدالرحمن می گفتند باید «التابوت» نوشت. این اختلاف را به نزد عثمان بردند و او گفت: «اكتبوه التابوت، فانه بلسان قریش» (داودی ۱۴۱۱: ۱۱۶).

۲. حاکم در مستدرک روایتی از نافع بن ابی نعیم ذکر می کند که او می گفت خارجه بن زید ثابت از پدرش (زید بن ثابت) و او از رسول خدا «فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ» را در آیه Γ «وَأِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ» (بقره: ۲۸۳) بدون الف تلاوت می کرد. گفته می شود این قرائت متواتر و صحیح است و ابن کثیر و ابوعمر نیز این گونه قرائت کرده اند (همو: ۹۵).

۳. حاکم در مستدرک از خارجه بن زید از پدرش زید بن ثابت نقل کرده است که رسول خدا Γ «كَيْفَ نُنشِرُهَا» را با «زاء» تلاوت می کرد (همو).

در پایان باید گفت آنچه درباره جایگاه قرائتی زید بن ثابت گفته اند، بیشتر درباره جمع قرآن و چگونگی آن است و این که او از کسانی است که شاهد رساندن آخرین آیات قرآن توسط جبرئیل بر رسول خدا بوده است (داودی، ۱۴۱۱: ۱۲۱).

ابوعبدالرحمن سلمی نقل کرده است که زید بن ثابت در سال وفات رسول خدا دو بار قرآن را برای آن حضرت قرائت کرد و به همین دلیل، این قرائت به نام زید بن ثابت ثبت شده است؛ چرا که او هم کاتب رسول خدا بود، هم قرآن را برای آن حضرت تلاوت کرد و نیز شاهد آخرین عرضه قرآن بر پیامبر بود. وی تا وقتی از دنیا رفت، قرآن را به همان صورت برای مردم می خواند. ابوبکر و عمر به همین سبب برای جمع قرآن به او اعتماد کردند و عثمان نیز کتابت مصاحف را به وی سپرد (همو: ۱۲۲).

درباره مواضع و دیدگاه های فقهی او به خصوص در مورد ارث، بسیار بحث شده است که از پرداختن به آن صرف نظر می کنیم.

نتیجه

با بررسی و تحلیل متون تاریخی دریافتیم زید در دوران پیامبر ۶، مقام و ویژگی خاصی ندارد که سبب تمایز او با دیگر صحابه باشد و تنها افتخار او کتابت وحی است.

او در آن دوران مانند دیگر جوانان، برای فراگیری زبان و قرآن مستعد نشان می‌داد. اگرچه تاریخ، مهارت او در زمینه ارث و حتی نظریات شاذ وی را ثبت کرده و حتی کم‌اهمیت‌ترین مطلب از دید نویسندگان پنهان نمانده است، اما در این دوره برتری خاصی در زمینه قرائت قرآن، فقه و... برای او بر دیگر صحابه مانند عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، ابن عباس و... ذکر نشده است. نگاهی به وضعیت اجتماعی - سیاسی او پس از پیامبر 6 می‌تواند پاسخی به چرایی محوریت و انتخاب وی برای جمع قرآن و فضیلت یافتنش برای این کار باشد.

حضور وی در سقیفه و خدمتش به ابوبکر و سخنان جانبدارانه او در داشتن این موقعیت نقشی اساسی دارد و به همین دلیل است که در دوران سه خلیفه، مقام فتوا، قضا و جانشینی خلیفه دوم و سوم به هنگام ترک مدینه در کارنامه‌اش ثبت است. دفاع از عثمان تا آخرین لحظه حیات و دفن او، کناره‌گیری وی از سیاست در دوران حضرت علی 7 و شرکت نکردن در جنگ‌های دوره امیرمؤمنان 7 از مواردی است که ریشه در انتخاب زید بن ثابت دارد.

بنابراین نگارنده معتقد است دلیل انتخاب زید را باید در گرایش‌ها و اعتقادات سیاسی و نیز خدمات او جست‌وجو کرد؛ چون بی‌گمان او در این زمینه از برترین‌ها به شمار نمی‌رفت، ولی حکومت به دلیل خدمات او، در بالا بردن نام او و تأکید بر برتری وی تلاش کرده است.

کتابنامه

- ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد عبدالحمید بن هبة الله (۱۹۶۵ق) شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ دوم.
- ابن اثیر، عزالدین ابو الحسن علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.
- _____ (۱۴۰۹ق)، *اسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن جوزی، ابو الفرج عبدالرحمن علی بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المنتظم فی تاریخ الامم والملوک*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- ابن حجر (عسقلانی)، شهاب الدین ابی الفضل احمد بن علی (۱۳۲۵ق)، *تهذیب التهذیب*، حیدرآباد دکن، چاپ مجلس.
- _____ (۱۳۲۸ق)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن خلف، ابوطاهر اسماعیل (بی تا)، *العنوان فی القراءات السبع*، تحقیق و مقدمه: دکتر زهیر زاهد و دکتر خلیل العطیة، بیروت، عالم الكتاب.
- ابن خلکان، محمد بن ابی بکر (بی تا)، *وفیات الاعیان و ابناء ابناء الزمان*، تحقیق: دکتر احسان عباس، قم، منشورات رضی.
- ابن سعد (هاشمی بصری)، محمد بن سعد بن منیع (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد (۱۴۱۲ق)، *استیعاب فی معرفة الاصحاب*، تحقیق: علی محمد البیجاوی، بیروت، دارالجلیل، چاپ اول.
- ابن عساکر، علی بن حسن بن هبة الله (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینة دمشق*، بیروت، دارالفکر.
- ابن هشام، عبدالملک بن هشام الحمیری (۱۳۴۸ش)، *السیرة النبویة*، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامی.

- امین، محسن (بی تا)، *اعیان الشيعة*، بیروت، دارالتعاریف للمطبوعات.
- اندلسی (ابن عبد ربّه)، احمد بن محمد (۱۴۰۴ق)، *العقد الفريد*، تحقیق: دکتر عبدالحمید الترحینی، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۳۷ش)، *فتوح البلدان*، ترجمه: محمد توسل، تهران، نشر نقره، چاپ اول.
- _____ (۱۹۵۹م)، *انساب الاشراف*، تحقیق: محمد حمید الله، مصر، دارالمعارف، چاپ اول.
- بلاشر، رژی (۱۳۷۴ش)، *در آستانه قرآن*، ترجمه: دکتر محمود رامیار، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
- ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۱۳۷۳ش)، *الغارات*، ترجمه: عزیزالله عطاردی، تهران، انتشارات عطارد.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۲ش)، *تاریخ خلفاء از رحلت پیامبر تا زوال امویان (۱-۱۳۲ق)*، قم، انتشارات دلیل ما.
- جفری، آرتو (۱۹۵۴م)، *مقدمتان فی علوم القرآن (مقدمه کتاب المبانی و مقدمه ابن عطیه)*، قاهره، مکتبۃ الخانجی.
- حاکم نیشابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- حجتی، سید محمدباقر، (۱۳۶۰ش)، *پژوهشی در تاریخ قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خالد، محمد خالد (۱۴۱۶ق)، *رجال حول الرسول*، بیروت، دارالجمیل.
- خلیفة بن خیاط، ابو عمرو (۱۴۱۵ق)، *تاریخ خلیفه*، تحقیق: دکتر سهیل زکار، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۳ق)، *معجم الرجال الحدیث*، بیروت، دارالزهراء، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۶ق)، *البيان فی التفسیر القرآن*، بی جا، دارالثقلین.
- دانی، ابو عمرو و عثمان بن سعید (۱۴۲۶ق)، *التیسیر فی القراءات السبع*، بیروت،

دارالکتب العلمیة

- داودی، صفوان بن عدنان (۱۴۱۱ق)، *زید بن ثابت کاتب الوحی و جامع القرآن*، دمشق، دارالقلم، چاپ اول.
- دینوری (ابن قتیبہ)، ابو محمد عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰ق)، *الامامة والسياسة (تاریخ الخلفاء والملوک)*، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالاضواء، چاپ اول.
- ذہبی، شمس الدین محمد بن عثمان (۱۴۱۳ق)، *تاریخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام*، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۶ق)، *معرفة القراء الکبار*، استانبول، مرکز البحوث الاسلامیة، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۷ق)، *سیر اعلام النبلاء*، بی جا، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ اول.
- رامیار، محمود (۱۳۶۲ش)، *تاریخ قرآن*، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزیع.
- زنجانی، ابو عبدالله (۱۳۸۸ش)، *تاریخ قرآن*، بیروت، بی نا.
- سجستانی، ابوبکر ابن ابی داود (۱۹۳۶م)، *کتاب المصاحف*، قاهره، الفاروق الحدیثة للطباعة والنشر، چاپ اول.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۱۰ق) *اسباب النزول*، بیروت، دارالهجرة للطباعة والنشر والتوزیع.
- _____ (۱۴۲۱ق)، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالکتب العربی.
- صالح، صبحی (۱۳۷۴ق)، *پژوهش های بی درباره قرآن و وحی*، ترجمه: محمد مجتهد شبستری، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
- صدر حاج سیدجوادی، احمد؛ کامران فانی؛ بهاء الدین خرمشاهی (۱۳۷۹ش)، *دائرة المعارف تشیع*، تهران، نشر شهید سعید محبی.
- طبرانی، ابی القاسم سلیمان بن احمد (۱۴۳۱ق)، *المعجم الکبیر*، تصحیح: حمدی

- عبدالمجید سلفی، بیروت، مؤسسه الریان ناشرون، مکتبه الاصله و التراث.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۷۵ش)، *تاریخ طبری (تاریخ الرسل والملوک)*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ پنجم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۳۸۷ق)، *تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک)*، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
- عبدالصبور، شاهین (۲۰۰۵م)، *تاریخ قرآن*، قاهره، نهضة مصر، چاپ اول.
- عسکری، مرتضی (۱۴۱۷ق)، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، تهران، المجمع العلمی الاسلامی، شرکت التوحید للنشر، چاپ اول.
- فقهی زاده، عبدالهادی (۱۳۷۴ش)، *پژوهشی در نظم قرآن*، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، چاپ اول.
- قلعه جی، محمد رواس (۱۴۱۳ق)، *موسوعة فقه زید بن ثابت و ابی هریرة*، بی جا، دارالنفائس.
- قمی، شیخ عباس (۱۴۱۴ق)، *سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار*، تهران، دارالاسوة للطباعة و النشر.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی - مؤسسه الوفاء، چاپ دوم.
- مرتضی، جعفر (۱۴۰۳ق)، *الصحيح من سيرة النبي الاعظم*، قم، بی نا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۴ش)، *سیری در نهج البلاغه*، تهران، انتشارات صدرا.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۸ش)، *علوم قرآنی*، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، چاپ اول.
- _____ (۱۴۱۵ق)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم.
- میرمحمدی، ابوالفضل (۱۴۰۰ق)، *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*، بیروت، دارالتعاریف للمطبوعات.
- واقدی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، *المغازی*، تحقیق: مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه العلمی، چاپ سوم.